

فصلنامه مطالعات زبان و ترجمه (دانشکده ادبیات و علوم انسانی)، علمی - پژوهشی، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۲

نگاهی جامعه‌شناختی به کنش گفتاری قسم: مقایسه زبان‌های فارسی و انگلیسی

رضا پیش‌قدم (دانشیار گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه فردوسی مشهد، نویسنده مسؤول)

pishghadam@um.ac.ir

آتنا عطاران (دانشجوی دکترای آموزش زبان انگلیسی، دانشگاه فردوسی مشهد)

atena.attaran@gmail.com

چکیده

درک تفاوت‌های فرهنگی نقش بسزایی در برقراری ارتباطات میان‌فرهنگی دارد و به برقراری ارتباطی موفق کمک می‌کند. بی‌شک، صداقت و به‌دنبال آن راستگویی در استحکام روابط تأثیر دارد؛ بنابراین، در این پژوهش درصد هستیم تا کاربردهای کنش گفتاری «قسم» را در دو زبان فارسی و انگلیسی مقایسه کنیم. برای دستیابی به این هدف، ۱۰۰ فیلم (۵۰ فیلم انگلیسی و ۵۰ فیلم فارسی) مطالعه شدند و گزاره‌های حاوی قسم یادداشت و پیاده‌سازی گردیدند. پس از جمع‌آوری داده‌ها، آن‌ها را براساس مدل هایمز (۱۹۶۷) واکاوی کردیم و کاربردهای قسم را از ابعاد مذهبی - جامعه‌شناختی بررسی نمودیم. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که استفاده از قسم فضای ناباوری و نبود اطمینان در جامعه را نشان می‌دهد و کاربردهای این کنش گفتاری در زبان فارسی ۱۷ مورد و در زبان انگلیسی ۶ مورد است. این درحالی است که مراجع قسم نیز در زبان فارسی متفاوت‌تر و متنوع‌تر از زبان انگلیسی است. در مقاله دلایلی که منجر به این تفاوت‌ها شده مورد بحث قرار گرفت.

کلیدواژه‌ها: تفاوت‌های فرهنگی، کنش گفتاری قسم، ناباوری، نگاه جامعه‌شناختی.

۱. مقدمه

دیری است که بررسی تفاوت‌های فرهنگی جوامع گوناگون یکی از دغدغه‌های متخصصان زبان‌شناسی، جامعه‌شناسی و برخی دیگر از رشته‌ها بوده است. در این راستا، مطالعات جامعه‌شناسی زبان به‌دنبال واکاوی ساختارهای جامعه از طریق بررسی نگرش، عملکردها و

رفتارهای افراد آن جامعه در قالب زبان بوده است (وارداف، ۲۰۱۰). از آنجایی که میان فرهنگ و زبان رابطه‌ای دوسویه برقرار است، با فرهنگ‌کاوی زبان می‌توان به نظام فکری و فرهنگی یک جامعه پی برد (پیش‌قدم، ۱۳۹۲).

بدون شک، مطالعه برخی از گونه‌های زبانی که تعداد زیادی از افراد جامعه از آن استفاده می‌کنند، می‌تواند محل مناسبی برای مطالعه و واکاوی فرهنگ افراد آن جامعه باشد (پیش‌قدم، ۱۳۹۲)؛ زیرا، مطالعه این اصطلاحات و گونه‌های زبانی دریچه‌ای رو به باورهای فکری آن فرهنگ است؛ بنابراین، برای درک زبان افراد یک جامعه باید نسبت به گفتارهای کلامی در شرایط گوناگون جامعه آگاهی لازم را کسب کرد. آگاهی نداشتن افراد از این قوانین گفتاری، ممکن است منجر به ارتباطی ناموفق گردد.

در جوامع گوناگون به‌ویژه جوامع جمع‌گرا، روابط میان افراد از اهمیت بسزایی برخوردار است (هافستد، ۱۹۹۱). شاید صداقت تنهاترین و اصلی‌ترین عامل برقراری ارتباط نباشد؛ اما راستگویی روابط را مستحکم می‌سازد و حس تعهد به افراد می‌دهد (ماساگارا، ۱۹۹۷). «قسم» یکی از ابزارهای کلامی است که تضمینی برای صحت کلام و ادعاهای افراد می‌باشد. در واقع، فرد با قسم خوردن خود را متعهد می‌سازد که کاری را انجام دهد یا از انجام آن جداً خودداری کند (عبدالجواد، ۲۰۰۰) و بار سنگینی را بر دوش گوینده می‌گذارد؛ بنابراین، آشنایی با این کنش گفتاری ما را به درک بهتری از جامعه و روابط میان افراد خواهد رساند. با توجه به آنچه گفته شد، در تحقیق حاضر به بررسی استفاده از کنش گفتاری «قسم» در فرهنگ فارسی و انگلیسی پرداخته می‌شود.

۲. پیشینه تحقیق

۲.۱. فرهنگ

فرهنگ هر جامعه «مجموعه‌ای از آداب، قوانین و عادات خاص یک ملت یا گروه» است (پیش‌قدم و نوروز کرمانشاهی، در حال چاپ، ص. ۲)، که نحوه صحبت‌کردن و رفتار افراد آن

جامعه را تعیین می‌کند (ریچاردز و اشمیت، ۲۰۰۲) و منجر به تولید رفتار می‌شود (پیش قدم، ۱۳۹۳)؛ براین اساس، مطالعات زیادی (توماس، ۱۹۸۳؛ جیانگ، ۲۰۰۶؛ لیچ، ۱۹۸۳) نشان می‌دهند که برای برقراری ارتباط نه تنها باید به اصول ساختاری آن زبان واقف بود، بلکه به درک عمیقی از تفاوت‌های میان فرهنگی نیز نیاز است. در واقع، افراد با فرهنگ‌های متفاوت نگاه‌های متفاوتی به دنیا دارند (پیش قدم، ۱۳۹۳). پیش قدم (۱۳۹۲) با اشاره به تحولاتی که در زبان‌ها ایجاد شده است، لازمه مطالعه فرهنگ را واکاوی «زبان‌نگ»^۱ های آن زبان می‌داند و تأکید می‌کند که با «کالبدشکافی زبان»^۲ و استخراج زبان‌نگ‌های (زبان + فرهنگ) جوامع گوناگون می‌توان به فرهنگ پنهان در زبان پی برد. افزون‌براین، وی زبان‌نگ را «ابزاری تحول‌گرا برای تغییر و تدبیر فرهنگی» قلمداد می‌کند (ص. ۵۸).

با تقسیم‌بندی فرهنگ‌ها به دو دسته شرق و غرب، هافستد (۱۹۹۱) تصویری که از فرهنگ شرق نشان می‌دهد، تصویری جمع‌گرا است که در آن افراد اهمیت بسزایی به ارتباطات می‌دهند. او غربی‌ها را افرادی فردگرا می‌داند که اصلی‌ترین دغدغه‌شان برآوردن خواسته‌های شخصی خود است. اهمیت به ارتباطات، دیدی کلی به افراد جامعه می‌دهد؛ حال آنکه اهمیت به فردیت^۳ دیدی جزئی را در افراد تقویت می‌کند. از این حیث شرقی‌ها را می‌توان افرادی وابسته به بافت و غربی‌ها را افرادی مستقل از بافت دانست (نورنزیان، اینکول، و پنگ، ۲۰۰۷). این بدان معنا است که افراد در جوامع شرقی به کلیات بافت و محیط توجه می‌کنند؛ حال آنکه در جوامع غربی جزئیات مورد توجه است.

پیش قدم (۱۳۹۳) از فرهنگ جمع‌گرا با عنوان فرهنگ «مایی» نام می‌برد و فرهنگ غربی را فرهنگی «منی» می‌خواند. وی ایرانیان را افرادی می‌داند که تمایل به تواضع و فروتنی دارند و معمولاً از خودافشایی اجتناب می‌کنند. در قیاس با ایرانیان، در فرهنگ غربی خودافشایی از اولویت برخوردار است و بیان تفکرات و موفقیت‌هایشان باری منفی در ارتباطاتشان ندارد؛ بنابراین، فرهنگ تواضعی در قیاس با فرهنگ خودافشایی افراد را تشویق به کم‌گویی می‌کند.

1. Cultuling
2. Anatomy of language
3. Self

۲.۲. کنش گفتاری قسم

پس از رویکردهای سنتی همچون روش مستقیم^۱ و روش ترجمه و ساختار^۲ که شیوه‌های غالب آموزش زبان در قرون ۱۹ و ۲۰ بودند، رویکرد ارتباطی توسط زبان‌شناسانی چون هایمز (۱۹۶۷) و هالیدی (۱۹۷۳) معرفی شد که برقراری ارتباطات^۳ را اصلی‌ترین هدف زبان می‌دانست. این رویکرد توجه زیادی به استفاده از زبان در شرایط واقعی^۴ می‌کرد (ریچاردز و راجرز، ۲۰۰۱). در این راستا، هایمز (۱۹۷۲) شرایط گفتمان^۵، رویدادهای گفتمان^۶ و کنش گفتاری^۷ را متمایز از هم دانست و آستین (۱۹۶۲) کنش گفتاری را کوچک‌ترین بخش گفتاری معرفی نمود.

آستین (۱۹۶۲) و سریل (۱۹۶۹) کنش گفتاری را در میان تمامی زبان‌ها یکسان می‌دانستند؛ اما برخلاف اعتقاد آن‌ها، تحقیقات دیگری (گرین، ۱۹۷۵؛ وربیکا، ۱۹۸۵) تفاوت استفاده از کنش‌های گفتاری را در میان فرهنگ‌های مختلف نشان دادند. در واقع، یافته‌های چیک (۱۹۹۶) نشان داد که آگاهی نداشتن از تفاوت‌های کنش گفتاری میان جوامع مختلف ممکن است گاهی منجر به سوءبرداشت یا قطع ارتباط گردد. این یافته‌ها منجر به انجام تحقیقات فراوانی در این حوزه شد که به بررسی کنش‌های مختلف گفتاری پرداختند (بلزا، ۲۰۰۸؛ تنک، ۲۰۰۲؛ علامی و نعیمی، ۲۰۱۰؛ مارتیز فلور، ۲۰۰۵).

در راستای تحقیقاتی که کنش‌های مختلف گفتاری را مورد مطالعه قرار می‌دادند، تعداد محدودی از مطالعات به بررسی کنش گفتاری قسم در جوامع و فرهنگ‌های متفاوت پرداختند؛ به‌عنوان نمونه، ماساگارا (۱۹۹۷) به مطالعه قسم در دو زبان کاملاً مرتبط کردند^۸ و کینیارواندو^۹

-
1. Direct method
 2. Grammar translation method
 3. Communication
 4. Authentic situation
 5. Speech situation
 6. Speech event
 7. Speech act
 8. Kirundi
 9. Kinyarwanda

آفریقایی پرداخت. پس از جمع‌آوری ۲۰ ساعت مکالمه ضبط‌شده میان ساکنان بودوندی^۱، وی دریافت که قسم خوردن می‌تواند ساختاری ساده یا پیچیده در آن زبان‌ها داشته باشد. افزون‌براین، واژگان قسم با توجه به شرایط، موضوع و مخاطب می‌توانند متفاوت باشند. همچنین، ماساگارا بیان کرد در آن دو زبان برخی از قسم‌ها ویژه آقایان و برخی دیگر مخصوص خانم‌ها هستند. به گفته وی، هدف از قسم در این دو زبان حفظ اعتبار و اطمینان از صحت گفتمان است.

عبدالجواد (۲۰۰۰) کنش گفتاری را در بافتی مذهبی مطالعه کرد. او به بررسی این کنش گفتاری در محاورات قشرهای مختلف جامعه در کشور عربی اردن پرداخت و در طول یک سال بیش از ۱۰۰۰ نمونه را گردآوری کرد. مهم‌ترین مرجع قسم در این جامعه خداوند و هر آنچه که مربوط به معجزات او است، بود. او دلیل این امر را احترام و پرستش خداوند و اعتقاد قوی مردم به سرنوشت دانست. همچنین، وی به این موضوع اشاره کرد که هرچه شرایط جدی‌تر باشد، افراد به چیز و یا فرد مهم‌تری قسم می‌خورند. افزون‌براین، کاربردهای متفاوتی از جمله سرزنش، دعوت و تشویق را برای قسم ذکر کرد.

در فرهنگ فارسی، علی‌اکبری، حیدری‌زاده و محجوب (۲۰۱۳) با گردآوری ۲۵۰ نمونه طبیعی از مکالمات افراد، به طبقه‌بندی واژگان و عبارات قسم پرداختند. آن‌ها قسم به خداوند، برخی از اوقات روز و یا سال و اعضای خانواده را از رایج‌ترین انواع قسم برشمردند. همان‌طور که مشهود است، هیچ تحقیقی در زمینه مقایسه کنش گفتاری قسم در جوامع فارسی و انگلیسی انجام نشده است؛ بنابراین، محققان تحقیق حاضر در پی مقایسه این کنش گفتاری در فرهنگ‌های فارسی و انگلیسی هستند.

۳. هدف تحقیق

افزون‌بر مقایسه کنش گفتاری قسم در دو فرهنگ انگلیسی و فارسی، تحقیق حاضر می‌کوشد تا به سؤال‌های زیر پاسخ دهد:

1. Burundi

۱. فارسی‌زبانان در شرایط مختلف چگونه قسم می‌خورند؟
۲. انگلیسی‌زبانان در شرایط مختلف چگونه قسم می‌خورند؟
۳. آیا شیوه‌های قسم‌خوردن فارسی‌زبانان و انگلیسی‌زبانان متفاوت است؟

۴. روش تحقیق

۴.۱. داده‌ها

زبان هنر، زبان به‌تصویرکشیدن ارزش‌ها، فرهنگ‌ها و هنجارهای اجتماعی جامعه است. به‌طورکلی، هنر و به‌طورخاص، رسانه‌های تصویری سعی دارند تا موضوعات مختلف جامعه را از زوایای گوناگون نگاه کنند و به نقل قصه‌ای از زبان افراد درگیر آن موضوع بپردازند. درواقع، رسانه‌های تصویری به‌دنبال نقل کردن هستند تا خلق کردن؛ بنابراین، فیلم‌ها از آن جهت ارزش تحلیل و بررسی دارند که ساختارهای فرهنگی جامعه را در اختیار محقق قرار می‌دهند (دهل، ۲۰۰۴). به‌گفته‌ی دهل (۲۰۰۴)، فیلم نه‌تنها گزارشی از شرایط یک جامعه است، بلکه به پیچیدگی‌ها، بحران‌ها و روابط قدرت آن جامعه نیز می‌پردازد.

بنابراین، برای انجام این تحقیق ۱۳۷ فیلم انگلیسی و فارسی مشاهده شد که از این میان حدود ۳۷ فیلم حذف گردید؛ زیرا، هیچ قسمی در آن‌ها یافت نشد. سپس، گزاره‌های حاوی قسم ۵۰ فیلم فارسی و ۵۰ فیلم انگلیسی مطالعه شد. این فیلم‌ها از ژانرهای مختلفی از جمله علمی-تخیلی، کمدی، اجتماعی، درام و ... جمع‌آوری شدند. بیشتر این فیلم‌ها در ده سال اخیر به‌نمایش گذاشته شده بودند که از میان آن‌ها می‌توان به فیلم‌های فارسی طلا و مس، هیس، شاعر زبانه‌ها، ورود آقایان ممنوع و ... اشاره کرد. فیلم‌هایی چون *Brave Heart*, *Skyfall*, *Hannah and Her Sisters*, *Beauty and the Beast*, etc فیلم‌های انگلیسی هستند که بررسی گردیدند. لازم است ذکر شود که جمع‌آوری داده‌ها تا زمانی ادامه داشت که اطلاعات جدیدی اضافه نشد (بین، ۲۰۱۰).

۴.۲. مدل پژوهش

برای بررسی گزاره‌های قسم در این تحقیق از مدل هایمز (۱۹۶۷) استفاده شد. این مدل در تحقیقات متعددی از جمله اسمال (۲۰۰۸)، پیش‌قدم و نوروز کرمانشاهی (در حال چاپ) و

زند و کیلی، فرد کاشانی و تابنده (۲۰۱۲) استفاده شده است. براساس این مدل، عوامل مؤثر بر تعاملات میان افراد را می‌توان به ۸ گروه طبقه‌بندی کرد که هایمز (۱۹۶۷) از این ۸ گروه به‌طور اختصار با عنوان SPEAKING یاد می‌کند. این عوامل عبارت‌اند از:

۴.۲.۱. موقعیت مکانی و زمانی^۱

با توجه به مکان و زمانی که گفتمان در آن انجام می‌پذیرد، موقعیت یک گفتمان را می‌توان به دو گروه تقسیم کرد:

الف. عمومی / رسمی؛

ب. خصوصی / غیررسمی.

۴.۲.۲. شرکت‌کنندگان^۲

اطلاعات لازم در مورد شرکت‌کنندگان شامل متغیرهای سن، جنسیت، ملیت و ارتباط میان این متغیرها است. با در نظر گرفتن وضعیت قدرت و فاصله، شرکت‌کنندگان در یک گفتمان ممکن است در چهار موقعیت مختلف قرار گیرند:

الف. هم‌تراز و رسمی (دو استاد دانشگاه)؛

ب. هم‌تراز و صمیمی (دو دوست صمیمی)؛

ج. نابرابر و رسمی (رئیس و کارمند)؛

د. نابرابر و صمیمی (استاد و دانشجو).

۴.۲.۳. هدف^۳

در یک گفتمان، هدف از بیان یک عبارت در موقعیت‌های مختلف، متفاوت خواهد بود و این هدف با در نظر گرفتن شرایط کلی آن گفتمان قابل درک می‌باشد. براساس مدل هایمز، نه تنها هدف از انجام یک گفتمان، بلکه هدف هر یک از شرکت‌کنندگان نیز لازم است بررسی گردد.

1. S: Setting
2. P: Participants
3. E: End

۴. ۲. ۴. ترتیب گفتمان^۱

از نظر گافمن (۱۹۷۱)، ترتیب گفتمان دربرگیرنده اطلاعاتی درمورد ترتیب اعمال شرکت کنندگان است؛ این بدان معنا است که ترتیب گفتمان اقداماتی ازسوی گوینده است که زمینه را برای اقدامی ازسوی شنونده فراهم می‌سازد. بخش‌های گفتمان را می‌توان با توجه به نقش / کارکرد آن‌ها مورد بررسی قرار داد؛ به‌عنوان نمونه:

* مکالمه تلفنی

- شخص ۱: سلام، احوال بررسی

سلام! روزتون بخیر!

- شخص ۱: پرسش

منزل آقای بهرامی؟

- شخص ۲: پرسش

بله! شما؟

- شخص ۱: معرفی

من اصغری هستم.

- شخص ۱: درخواست

می‌توانم با آقای مرادی صحبت کنم؟

۴. ۲. ۵. لحن^۲

با توجه به موقعیتی که گفتمان در آن انجام می‌پذیرد، لحن شرکت کنندگان متغیر خواهد بود و ممکن است جدی، طعنه‌آمیز، فکاهی، دوستانه، خصمانه، همدردی یا تهدیدآمیز باشد. معمولاً بین لحن و «نوع گفتمان» ارتباط مستقیمی وجود دارد، اما برقراری چنین ارتباطی ضروری نیست؛ زیرا، گاهی اوقات لطیفه‌ای با لحن طعنه‌آمیز بیان می‌شود یا شخصی با لحن

1. A: Act sequence
2. K: Key

تهدیدآمیز به دیگری تسلیت می‌گوید؛ بنابراین، آنچه دارای اهمیت است این است که لحن با تغییر در هریک از دیگر عوامل متغیر خواهد بود.

۴. ۲. ۶. ابزار^۱

ابزار یک گفتمان شامل نحوه بیان آن می‌باشد که به دو دسته نوشتاری و گفتاری تقسیم می‌شود.

۴. ۲. ۷. قوانین گفتمان^۲

منظور از قوانین، رفتارهای خاص و مشخصه‌هایی است که به یک گفتمان می‌توان نسبت داد؛ به‌عنوان نمونه، قطع کردن حرف دیگری یا رعایت اصول ترتیب در صحبت کردن، با صدای بلند صحبت کردن، زمزمه کردن و غیره از مشخصه‌های توصیف‌کننده یک گفتمان هستند.

۴. ۲. ۸. نوع گفتمان^۳

نوع گفتمان شامل مجموعه‌ای از خصوصیات و ساختارهای به‌هم مرتبط می‌باشد که برای ایجاد یک گفتمان چارچوبی را تشکیل می‌دهند و شامل دسته‌بندی‌هایی از قبیل شعر، افسانه، داستان، ضرب‌المثل، دعا، خطابه، نامه، لطیفه، مکالمه و غیره می‌شود (بامن، ۲۰۰۰).

۵. نتایج

همان‌طور که ذکر شد، نمونه‌های قسم‌های گردآوری شده با استفاده از مدل هایمز بررسی شده‌اند. سپس، به تشریح این کارکردها از ابعاد مذهبی- غیرمذهبی و جامعه‌شناختی می‌پردازیم. در انتها، کاربرد این قسم‌ها را در دو فرهنگ مقایسه خواهیم کرد.

۵. ۱. بررسی گزاره‌های قسم با استفاده از مدل هایمز در فیلم‌های فارسی

۵. ۱. ۱. موقعیت

موقعیت‌هایی که در آن‌ها قسم یاد شده است، معمولاً موقعیت‌هایی غیررسمی هستند؛ مانند:

- پسر ملتسمانه به پدرش می‌گوید: به‌خدا نمی‌خواستم این‌طوری شه، یهو شد.

1. I: Instrumentalities

2. N: Norms

3. G: Genre

شایان ذکر است که گاهی قسم وابسته به مکان یا زمانی است که شرکت‌کنندگان در آن قرار دارند؛ به‌طور مثال، عبارات «به همین امام رضا»، «به شاه چراغ قسم» در فیلم‌هایی وجود دارند که اماکن مذهبی را به‌تصویر می‌کشند یا گزاره‌های «به این ماه مبارک»، «به حسین (ع) قسمم مربوط به ایام خاصی همچون ماه رمضان و ایام محرم و صفر می‌باشند.

۵. ۱. ۲. شرکت‌کنندگان

گزاره‌هایی را که در آن‌ها قسم خورده می‌شود، از حیث وضعیت قدرت و فاصله می‌توان به سه گروه طبقه‌بندی کرد:

الف. هم‌تراز و آشنا

● درخواست زن از شوهر: تو رو ارواح خاک آقای خدا بیامرزت من رو ببر خونه ...

ب. نابرابر و غریبه

● متهمی در دادگاه خطاب به قاضی: به‌خدا قسم من بی‌گناهم. من یوسف را نکشتم.

ج. نابرابر و آشنا

● مادری که پسرش را کتک می‌زند؛ پسر: مامان تو رو خدا بس دیگه.

به‌نظر می‌رسد برخی از قسم‌ها مربوط به شرکت‌کنندگان خاصی هستند؛ به‌طور مثال، تنها پدران و مادران هستند که به جان بچه‌شان قسم می‌خورند و هیچ دختر یا پسر مجردی از چنین قسمی استفاده نمی‌کند. افزون‌براین، تعدادی از قسم‌ها گروه خاصی را مخاطب قرار می‌دهند؛ به‌عنوان نمونه، تنها افراد مسن، باتجربه و عموماً مرد را به موی سفیدشان قسم می‌دهند و این قسم برای قشر جوان جامعه کاربرد ندارد.

۵. ۱. ۳. هدف

پس از بررسی همه‌گفتمان‌های حاوی قسم، در این تحقیق ۱۷ هدف عمده برای قسم‌خوردن یافت شد که برخی از آن‌ها با هم هم‌پوشانی نیز دارند.

۱. دفع ضرر و اتهام

● انکار؛ به جون خودم من کیف پول را برنداشتم.

- اعتراف؛ پدر: چیه؟ چرا خف کردی تو اناقت؟
- پسر: به امام حسین نمی‌خواستم شیشه‌ها را بشکنم (پسر قبل از هر حرفی اعتراف می‌کند).
- التماس / خواهش / ندامت؛ به خدا یهو شد. نمی‌خواستم این‌طوری شه (پسر با نگاه ملتسانه به پدر).
- دختر به پسر: تو رو خدا برو، از پیش من برو.
- ۲. جلب منفعت
- تلاش برای متقاعد کردن؛ چرا خطای برادرم را پای من می‌نویسین؟! به پیر به پیغمبر اون بی‌گناه بود، پشت فرمونه دیگه، فقط یه حادثه بود (پسر جوانی که سعی می‌کند از تربیت خانوادگی خود دفاع کند و پدر عروس را متقاعد نماید).
- نجات و رهایی؛ به خدا قسم من بی‌گناهم، من یوسف را نکشتم، آتش‌سوزی کار من نبود (متهم پای میز محاکمه).
- پسر: ولم کن تو رو خدا، بسه دیگه (مادر پسر را می‌زند).
- ۳. نصیحت
- ماما چرا گیر می‌دی؟ به خدا بده، زشته، عیبه.
- گلاب خانم شما رو به اون خدا بدترش نکنین (بعد از دعوا).
- ۴. احترام
- حاج آقا تو رو به موی سفیدت مشکل ما رو حل کن.
- ۵. دعوت
- تو رو خدا بفرمایید تو، دم در بده.
- ۶. تعارف
- جون من تعارف نکنین، بفرمایید، از آب گذشته است.
- ۷. تعجب
- این تن بمیره، ابوالفضلی شما خواب بودی؟!

- مرگ من شنیدی چی گفتم؟!
 ۱. شوخی
 - می بینی تو رو خدا چه اخلاقی داره؟ (خنده)
 ۹. تمجید
 - اوستا به مولا لنگه نداری، یه دونه ای.
 ۱۰. تهدید
 - یا بگو یا به جون عزیزم از همین بالا می اندازمت پایین (دو کارگر روی داربست).
 ۱۱. فروتنی
 - نوکرتم به مولا.
 ۱۲. قول
 - به ارواح خاک بابام اگه بذارم خونش پایمال بشه.
 ۱۳. دعا/ طلب بخشش و استغفار
 - خدایا به حق عزتت مرا آماج تیر و بلاهای عالم قرار مده.
 - خدایا به حق چهارده معصوم گناهان ما را ببخش و بیامرز.
 ۱۴. اظهار نادانی/ نداشتن توانایی
 - مسؤول بخش عقیدتی - سیاسی: طرفدار چپی یا راست؟
 - متقاضی کار: آقا به خدا من نمی دونم کدوم درسته، راست درسته، چپ درسته، گیج می شم.
 ۱۵. بیان گلایه مندی/ شکایت
 - متهم: می خوای یک آهنگ دیگه برات بخونم، جناب سروان؟ (متهم خواننده رپی است که مدام آهنگ هایش را می خواند)
 - سرباز: نه جون مادرت، حوصله ندارم.
 ۱۶. بیزاری جستن
 - زن به مرد: به خدا ازت بیزارم، برو بمیر.

۱۷. اصرار

- دختر به مادر: مامان تو رو خدا نرو دیگه، بمون واسه شام.

۵. ۱. ۴. ترتیب گفتمان

در ترتیب گفتمان به بررسی نقش / کارکرد بخش‌های آن گفتمان پرداخته می‌شود. از آنجایی که در این قسمت فرصت کافی برای بررسی همه مکالماتی که در آن‌ها قسم یاد شده است، وجود ندارد، به ذکر یک نمونه بسنده می‌کنیم:

* موقعیت: بیمارستان

- شخص ۱ (خانم بستری شده روی تخت بیمارستان)

اصرار به همسر: تو رو ارواح خاک آقای خدا بیامرزت منو ببر خونه، نمی‌خوام رو تخت بیمارستان بمیرم.

- شخص ۲ (همسر خانم)

سرش پایین است و جوابی نمی‌دهد.

۵. ۱. ۵. لحن

لحن‌های مختلفی که در هنگام قسم خوردن استفاده می‌شوند، عبارت‌اند از:

الف. ملتمسانه

- به امام حسین نمی‌خواستم شیشه‌ها رو بشکونم، به خدا یهو شد.

- به جان هر چی مرده کلک.

ب. تعجب

- مرگ من شنیدی چی گفتم؟!

پ. نگران

- چرا خاموشی؟ ده بار زنگ زدم جون گندم.

ت. شوخی

- می‌بینی تو رو خدا چه اخلاقی داره؟

ث. محترمانه

● حاج آقا شما رو به اون موی سفیدت ...

۵. ۱. ۶. ابزار

همان‌طور که ذکر شد، ابزار یک گفتمان شامل نحوه بیان آن است که به دو دسته نوشتاری و گفتاری تقسیم می‌شود. قسم خوردن عموماً در قالب گفتار حادث می‌شود.

الف. گفتاری

● شما را به خدا یک ماه به ما فرصت بدید، ما خونه رو تخلیه می‌کنیم.

ب. نوشتاری

● نامه خانمی به همسرش: به حرمت نگه داشتن پرده احترام ترجیح دادم همدیگر را فراموش کنیم.

۵. ۱. ۷. قوانین گفتمان

در گفتمان‌ها بررسی قسم برخلاف آنچه انتظار می‌رود، محدود به بافت‌های مذهبی نیست و گوینده از قسم به عنوان پشتیبانی برای صحت ادعای خود استفاده می‌کند؛ به عنوان نمونه:

● موقعیت: خواستگاری

شرکت کنندگان: پسری که برادرش به جرم قتل در زندان است و سعی دارد از شرافت خود و خانواده اش در برابر پدر دختر دفاع کند: چرا خطای برادرم را به پای من می‌نویسید! به پیر به پیغمبر اون بی‌گناه بود، پشت فرمونه دیگه ...

● موقعیت: نانوایی

شرکت کنندگان: نانو و کله‌پزی که هر روز ساعت مقرری از آنجا خرید می‌کند:

کله‌پز: جیره ما حاضره؟

نانوا: نه جون آقا شجاع، امروز خواب موندیم.

۵. ۱. ۸. نوع گفتمان

قسم خوردن تنها به مکالمه محدود نمی‌شود و در قالب‌های دیگری نیز به کار می‌رود که ضرب‌المثل یکی از آنها است:

- ضرب‌المثل: قسم حضرت عباس را ببینم یا دم خروس؟
این قدر قسم و آیه لازم نیست.
- سوگندنامه در دادگاه: اینجانب ... قسم یاد می‌کنم که در محضر قرآن و دادگاه چیزی جز حقیقت نگویم.
- سوگندنامه دانشجویان برخی از رشته‌ها از جمله پزشکی.

۲.۵. بررسی گزاره‌های قسم با استفاده از مدل هایمز در فیلم‌های انگلیسی

۲.۵.۱. موقعیت

برخلاف فیلم‌های ایرانی، در فیلم‌های انگلیسی و آمریکایی افراد عموماً در موقعیت‌های رسمی قسم یاد می‌کنند. باین وجود، در چندین مورد موقعیت‌های غیررسمی نیز مشاهده شدند.

الف. رسمی

سربازی که برای خدمت به ارتش سوگند یاد می‌کند:

- I swear by God this sacred oath:

That I shall render unconditional obedience to Adolf Hitler, the Führer of the German Reich, and that I shall at all times be prepared, as a brave soldier, to give my life for this oath.

- I swear to God it is the truth if ever told it.

ب. غیررسمی

گاترز از دوستش می‌خواهد تا در را باز کند تا فرار کنند؛ زیرا، بیرون گروهی از آدم-خواران هستند:

- Matt! Open these damn doors right now, These things out here'll seem like the Easter Bunny in comparison! Swear to God!

۲.۵.۲. شرکت‌کنندگان

با توجه به آنچه پیش‌تر ذکر شد، با در نظر گرفتن وضعیت قدرت و فاصله، در یک گفتمان شرکت‌کنندگان ممکن است در چهار موقعیت مختلف قرار گیرند:

الف. هم‌تراز و رسمی

دختری به همکلاسی‌اش اعتراف می‌کند که:

- I swear – I didn't know about the money. I didn't even know Joey was involved.

ب. هم‌تراز و صمیمی

جکسون با اعضای خانواده‌اش صحبت می‌کند:

- It's gone. The whole darn lake is gone.
I swear you guys there was a lake here.

ج. نابرابر و رسمی

ایزابلا، عروس شاه کشور، با شورش‌ی‌ی‌اغی (ویلیام) که در حال فتح کشورش است، چنین سخن می‌گوید:

- Isabella: Sir, I've come to beg you to confess all and swear allegiance to the king, that he might show you mercy.

William: Will he show mercy to my country?

د. نابرابر و صمیمی

سولارا با دوست پدرش صحبت می‌کند و می‌گوید:

- Look, if you want to help me, just let me stay here tonight. We don't have to do anything. I'll sleep on the floor. Tomorrow you can tell my dad that we had a good time. I'll be no trouble, I swear.

۵. ۲. ۳. هدف

در فیلم‌های انگلیسی، قسم برای اهداف زیر به کار می‌رود:

۱. دفع ضرر و اتهام

● اعتراف / التماس

- I swear -- I didn't know about the money.

۲. جلب منفعت

● متقاعد کردن

- For Christ's sake, listen to yourself.

We're a democracy accountable to the people we're trying to defend.
We can't keep working in the shadows.

● اصرار / تشویق

● Amelia, for God's sake. Come on. Pick up your feet. That's it. Good boy.

● خواهش

● For God's sake, Holmes, cut me loose.

۳. قول

● I know how crazy this must seem. But it will all be over after this I swear to you.

۴. توضیح / شفاف‌سازی

● Thomas: you can't believe there was a time all you saw in front of you"...was a paper ball and a glass of water."

Thomas: Well, first of all, that's inconsistent.

She said she didn't care about flowers.

Charles: For God's sake, it's just a metaphor.

۵. اصرار / تشویق

1. Amelia, for God's sake. Come on. Pick up your feet. That's it. Good boy.

۶. تعجب

2. What's the matter with you, for Christ's sake?

۵. ۲. ۴. ترتیب گفتمان

مثال‌های زیر نمونه‌هایی از ترتیب گفتمان در قسم خوردن هستند:

3. Isabella: Leave us. Now. Let us talk plainly. You invade England, but you cannot complete the conquest so far from your shelter and supply. The king desires peace.

William: Longshanks desires peace?

Isabella: He declares it to me, I swear it. He proposes that you withdraw your attack.

4. Eli: You remember what I said would happen if I came back here and you didn't have my battery?

Engineer: It's right here! It's just gonna take a while longer. I swear.

۵. ۲. ۵. لحن

لحن کلام وسیله‌ای برای انتقال حس گوینده به شنونده/ بیننده است. در فیلم‌های انگلیسی قسم با این لحن‌ها بیان می‌شود:

الف. عصبانی

- For God's sake! Just get out of the way!

ب. امیدوارانه

- I swear I'm getting us out of here.

پ. خواهشمندانه/ ملتمسانه

- For Christ's sake, stop torturing her.

ت. شادمانی

- Did he really smile?

Swear to God, like the cutest little smile.

۵. ۲. ۶. ابزار

براساس آنچه گفته شد، ابزار بیان یک گفتمان می‌تواند به صورت نوشتاری و گفتاری باشد. در فیلم‌های انگلیسی معمولاً قسم به صورت گفتاری بیان می‌شود.

۵. ۲. ۷. قوانین گفتمان

بررسی‌های انجام‌شده بر روی کنش گفتاری قسم حاکی از آن است که گوینده از قسم به‌عنوان ابزاری برای قدرت‌بخشیدن به ادعایش استفاده می‌کند؛ به‌عنوان مثال:

Harry: Now, you are gonna tell him the truth, or I swear to God I'm gonna kill you.

Rekall: Don't... Don't. Hauser... He's trying to manipulate you into giving yourself up!

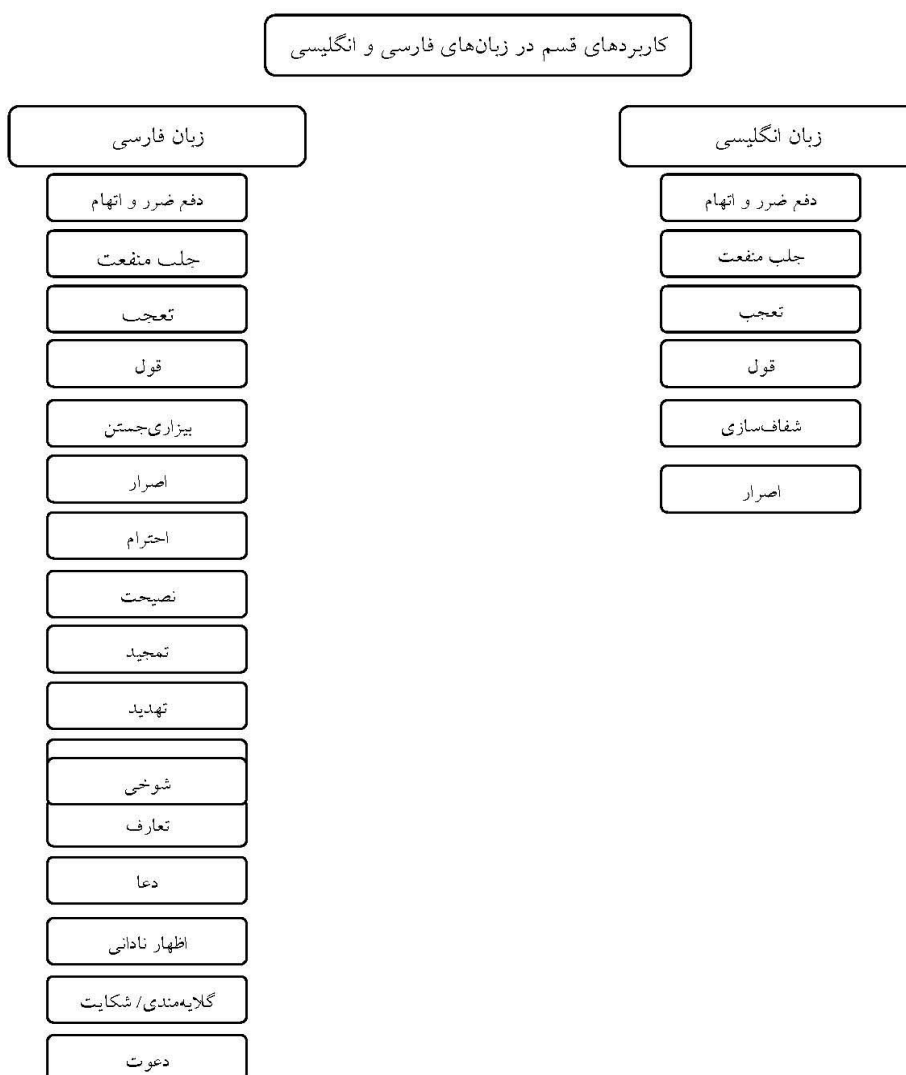
۵. ۲. ۸. نوع گفتمان

علاوه بر اینکه قسم در قالب مکالمه و سوگندنامه که در دادگاه یا در مقابل فرمانده نظامی

به‌کار می‌رود، دانشجویان رشته پزشکی نیز در هنگام فارغ‌التحصیلی سوگند می‌خورند که حفظ جان مردم را در اولویت قرار دهند که در برخی از پژوهش‌ها از جمله مارکل (۲۰۰۴) و یاکر و گلیک (۱۹۹۸) به آن اشاره شده است.

۵. ۳. مقایسه کاربرد کنش گفتاری قسم در فیلم‌های انگلیسی با فارسی

شکل ۱- مقایسه کاربردهای قسم در زبان‌های انگلیسی و فارسی



همان‌طور که در شکل (۱) نشان داده شده است، کاربرد قسم در فیلم‌های فارسی تقریباً سه برابر فیلم‌های انگلیسی است. به نظر می‌رسد ایرانیان در بیشتر تعاملات اجتماعی خود از قسم بهره می‌برند؛ حال آنکه کاربرد این کنش گفتاری در زبان انگلیسی محدودتر است.

۵. ۴. مراجع قسم در فیلم‌های انگلیسی و فارسی

شکل ۲- مراجع قسم در فیلم‌های انگلیسی و فارسی

فیلم‌های فارسی	فیلم‌های انگلیسی
به خدا/ خدا شاهده	For God's sake
به پیر به پیغمبر	I swear to Jesus
به امام رضا	For Christ's sake
به موی	I swear to you
به جدم فاطمه زهرا	
ابوالفضل	
به ارواح خاک بابام	
این تن بمیره	
و ...	

همان‌طور که در شکل (۲) دیده می‌شود، ایرانیان مراجع بسیار مختلفی از جمله بزرگان دینی، افراد مورد احترام خانواده و حتی مرگ خودشان برای نسبت‌دادن قسم‌های خود دارند. این در

حالی است که انگلیسی‌زبانان معمولاً قسم‌های خود را فقط به خداوند، حضرت عیسی، حضرت موسی یا مخاطب ارجاع می‌دهند.

۶. بحث و نتیجه‌گیری

همان‌طور که پیش‌تر ذکر شد، فیلم آینه‌ای تمام‌نما از فرهنگ یک جامعه است. بررسی گونه‌های مختلف فیلم‌ها این امکان را فراهم می‌سازد تا هرچه بیشتر بتوان به زیرساخت‌ها، باورها و عادات رفتاری و کلامی آن جامعه پی برد؛ بنابراین، در تحقیق حاضر بر آن بودیم تا با واکاوی فیلم‌های موجود انگلیسی و فارسی به مقایسه کاربرد کنش گفتاری در این دو فرهنگ بپردازیم. برای تحقق این مهم، به تشریح این کنش گفتاری با استفاده از مدل هایمز پرداختیم و ۸ بخش تشکیل‌دهنده آن را به‌طور مبسوط توضیح دادیم. سپس، کاربردها و مراجع قسم را در دو زبان مقایسه کردیم.

با توجه به واکاوی‌های انجام‌شده، به‌نظر می‌رسد قسم در فرهنگ فارسی به بخشی از محاورات روزمره تبدیل شده است و در اغلب گفتمان‌های روزانه از تعارف و تمجید تا اعتراف به‌کار می‌رود؛ حتی گاهی استفاده از قسم در گفتمان هدفی جز پوشاندگی^۱ (راهبرد مکالمه‌ای که در گفت‌وگو برای تأکید یا هنگام خریدن به‌کار می‌رود) ندارد؛ به‌عنوان نمونه:

موقعیت: مغازه

- شخص ۱: ببخشید آقا قیمت این بلوز چنده؟

- شخص ۲: فروشنده: ۱۶۰۰۰۰ تومان.

- شخص ۱: خیلی گرون میدی به خدا.

به‌نظر می‌رسد معنای ضمنی قسم با معنای واقعی و دقیق آن فاصله دارد. قسم که ریشه در کلمه عربی «یمین» به‌معنای عهد و پیمان دارد و مصداق الزام‌گوینده به انجام/انجام‌ندادن کاری می‌باشد (عبدالجواد، ۲۰۰۰)، در این نمونه و تعدادی از نمونه‌های مشابه چنین باری را بر دوش گوینده قرار نمی‌دهد و کاربردش بسیار دورتر از معنای لفظی آن است. افزون‌براین،

عموماً قسم خوردن ریشه در باورهای مذهبی دارد (عبدالجواد، ۲۰۰۰) و به‌کاربردن برخی از قسم‌ها همچون «به خدا» و «به قرآن» از جمله قسم‌هایی هستند که اعتقادات مذهبی گوینده را منتقل می‌کنند؛ بنابراین، در راستای پژوهش‌های پیش‌قدم و نوروز کرمانشاهی (در حال چاپ) و علیجانی (۱۳۸۵)، شاید بتوان به این نکته اشاره کرد که سهولت استفاده از چنین واژه‌هایی با بار اعتقادی و عقیدتی بازتابی از کم‌رنگ‌شدن اعتقادات مردم ایران است.

فزونی کاربردهای قسم در فرهنگ فارسی نسبت به انگلیسی صحه بر جمع‌گرایی فرهنگی ایرانی می‌گذارد. جای تعجب نیست که در جوامع این‌چنینی که افراد ارتباطات خود را در اولویت قرار می‌دهند، کاربرد قسم بیشتر از جوامع فردگرای غربی باشد. از آنجایی که قسم ابزاری برای حصول اطمینان از گفته‌های فرد مدعی است (ماساگارا، ۱۹۹۷)، ایرانیان می‌کوشند تا با بهره‌گیری از قسم در شرایط گوناگون روابط خود را مستحکم و عمیق سازند؛ بنابراین، به‌نظر می‌رسد قسم ابزاری مناسب برای ایرانیان است تا به کمک آن اعتماد مخاطب را جلب کنند و روابطی مبتنی بر اطمینان و درستی برقرار سازند؛ براین اساس، در جامعه ایران قسم ابزار «راست‌آزمایی» می‌باشد.

با توجه به مراجع قسم در انگلیسی و فارسی درمی‌یابیم که مراجع قسم در زبان فارسی بسیار وسیع‌تر از زبان انگلیسی است. همسو با یافته‌های عبدالجواد (۲۰۰۰)، در جوامع غربی معمولاً اعضای خانواده، عمر، زمان و مکان در نقش مراجع قسم ظاهر نمی‌شوند؛ اما در زبان فارسی همچون عربی تمامی این موارد می‌توانند مرجع قسم باشند. دو دلیل را می‌توان برای این مورد ذکر کرد:

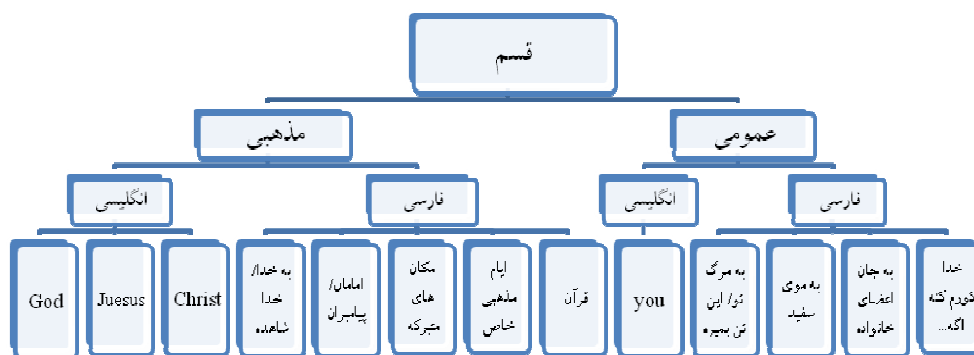
۱. بیشتر جامعه ایرانی را مسلمانان تشکیل می‌دهند و کتاب دینی آن‌ها قرآن است که در خود قرآن خداوند به بسیاری از مخلوقاتش و ایام، قسم یاد کرده است؛ به‌عنوان نمونه، قسم به جمعه، روز جزا، آسمان، عصر و ...؛ بنابراین، بسیاری از افراد این جامعه با استناد به قرآن از قسم‌های یادشده در آن استفاده می‌کنند که نشان می‌دهد قسم با مذهب رابطه مستقیمی دارد.

۲. از آنجایی که در اسلام قدرت خداوند لایتناهی است و تنها معبود مسلمانان می‌باشد، بنابراین هر آنچه نعمت، مخلوق و خلق‌شده او باشد، نزد مسلمانان عزیز است و قسم‌خوردن

به آن را جایز می‌دانند. از این میان می‌توان به «مکه‌ای که رفتم قسم» و «به همین نمک» اشاره کرد (عبدالجواد، ۲۰۰۰).

اما نکته قابل توجه این است که بعضی از قسم‌ها به ظاهر ریشه مذهبی ندارند؛ بنابراین، در اینجا قسم‌ها را به دو دسته کلی تقسیم می‌کنیم:

شکل ۳- تقسیم‌بندی قسم از نظر مذهبی



در بخش مذهبی اگر کسی که قسم می‌خورد قسم خود را بشکند، نه تنها اعتبار خود، بلکه اعتقادات خود را نیز زیر سؤال می‌برد (ماساگارا، ۱۹۹۷)؛ بنابراین، در مقایسه با قسم‌های عمومی قسم‌های مذهبی بار سنگین‌تری را بر دوش کسی که قسم می‌خورد، می‌گذارند که با توجه به شکل می‌توان به فزونی کاربردهای قسم در دسته مذهبی و نیز در دسته عمومی در فرهنگ فارسی پی برد.

نکته قابل توجه دیگر این است که به نظر می‌رسد در جوامع غربی صرف قسم خوردن کافی است. همان‌طور که در نمونه‌های بخش قبل مشاهده می‌شود، گفتن I swear برای قسم خوردن کافی است؛ اما بیشتر اوقات در نمونه‌های مشابه فارسی مرجع قسم نیز ذکر می‌شود. این یافته گفته‌های پیش‌قدم (۱۳۹۳) را تداعی می‌کند که فرهنگ غربی فرهنگ «منی» است. در واقع، همین که فرد افشا می‌کند در حال قسم خوردن است، تضمینی برای درستی حرفش می‌باشد. این در حالی است که در فرهنگ ایرانی افراد به تعریف از خود عادت ندارند و می‌کوشند تا با

استناد و تواضع به منشأ قدرت که خود مرجع قسم می‌باشد، بر درستی ادعای خود تأکید کنند. افزون‌براین، شرقی‌ها تمایل دارند تا در استدلال‌ات خود از نکات و مثال‌های ملموس به‌سوی مسائل انتزاعی حرکت کنند (پیش‌قدم، ۱۳۹۳)؛ بنابراین، استفاده از مراجع قسم به‌ویژه مراجع مذهبی این امکان را به ایرانیان می‌دهد تا با استناد به منبعی شناخته‌شده و ملموس برای افراد جامعه به ارائه مطالب خود بپردازند.

در این تحقیق کنش گفتاری قسم بررسی شد. بدون‌شک انجام تحقیقی با تعداد داده‌های بیشتر می‌تواند کاستی‌های این تحقیق را برطرف سازد و به اعتبار یافته‌های مطالعه حاضر کمک شایانی کند. همچنین، شایسته است تا تحقیقات دیگر به بررسی این کنش گفتاری در فرهنگ‌های متفاوت بپردازند. افزون‌براین، به‌جای استفاده از فیلم می‌توان برای جمع‌آوری داده از روش‌های دیگر پژوهشی از جمله مشاهده و پرسشنامه بهره برد و نتایج به‌دست‌آمده را با نتایج این پژوهش مقایسه کرد.

کتابنامه

- پیش‌قدم، ر. (۱۳۹۲). معرفی «زبانگ» به‌عنوان ابزاری تحول‌گرا در فرهنگ‌کاوی زبان. *فصلنامه مطالعات زبان و ترجمه*، ۴، ۶۱-۴۷.
- پیش‌قدم، ر. (۱۳۹۳). آسیب‌شناسی روش‌های جمع‌آوری داده در مطالعات زبانی: گامی به‌سوی بومی-سازی روش تحقیق در ایران. *جستارهای زبانی*، ۲(۱۸)، ۷۰-۵۵.
- پیش‌قدم، ر.، و نوروز کرمانشاهی، پ. (در حال چاپ). ارتباط میان زبان، مذهب و فرهنگ: تحقیق و تدقیق در کارکردهای لقب حاجی و واژه‌های وابسته در زبان فارسی، *زبان پژوهی - علوم انسانی دانشگاه الزهراء(س)*.
- علیجانی، ر. (۱۳۸۵). زمان و زمینی برای تمرین. *کانون آرمان شریعتی*، ش. ۱۰۰۲. بازیابی از www.goodreads.com/review/show/70014815
- Abd el-Javad, H. R. S. (2000). A linguistic and sociopragmatic and cultural study of swearing in Arabic. *Language, Culture and Curriculum*, 13(2), 217-240.

- Aliakbari, M., Heidarizadi, Z., & Mahjub, M. (2013). A sociolinguistics study of conversational swearing in Iran, *International Journal of Linguistics*, 5(3), 43-59.
- Allami, A., & Naeimi, A. (2010). A cross-linguistics study of refusal: An analysis of pragmatic competence development in Iranian EFL learners. *Journal of Pragmatics*, 43(1), 385-406.
- Austin, J. L. (1976). *How to do things with words* (2nd Ed.). New York, NY: Oxford University Press.
- Bauman, R. (2000). Genre. *Journal of Linguistics Anthropology*, 9(1), 84-87.
- Belza, A. (2008). *A Questionnaire-based study of Irish and Polish speech act of requesting* (Doctoral dissertation). University of Silesia, Poland.
- Chick, J. K. (1996). Intercultural communication. In S. L. McKay, & N. H. Hornberger (Eds.), *Sociolinguistics and language teaching* (pp. 329-348). Cambridge: Cambridge University Press.
- Dahl, G. (2004). Qualitative analysis of films: Cultural processes in the mirror of film. *Forum: Qualitative Social Research*, 5(2). Retrieved from <http://www.qualitative-research.net/index.php/fqs/article/view/593>.
- Goffman, E. (1971). *Relations in public*. New York: Harper and Row.
- Green, G. M. (1975). How to get people to do things with words. In P. Cole, & J. L. Morgan (Eds.), *Syntax and semantics*, (pp. 187-210). New York: Academic Press.
- Halliday, M. (1973). Language functions. In H. D. Brown (Ed.), (1987), *Principles of language learning and teaching* (pp.202-203). New Jersey: Prentice-Hall.
- Helidonis, E. S., & Prokopakis, E. P. (2001). The contribution of Hippocratic Oath in third millennium medical practice, *American Journal of Otolaryngology*, 22(5), 303-5.
- Hofstede, G. (1991). *Cultures and organizations: Software of the mind*. London: McGraw-Hill.
- Hymes, D. (1967). Models of interaction of language and social setting. *Journal of Social Issues*, 33(2), 8-28.
- Jiang, X. (2006). Suggestions: What should ESL students know? *System*, 34(1), 36-54.
- Leech, G. (1983). *Principles of pragmatics*. London: Longman.
- Markel, H. (2004). "I swear by Apollo"--on taking the Hippocratic Oath. *The New England Journal of Medicine*, 350(20), 2026-9.

- Martinez-Flor, A. (2005). A theoretical review of the speech act of suggesting: Toward taxonomy for its use in FLT. *Revista Alicantina Ingleses*, 18, 167-187.
- Masagara, N. (1997). Negotiating the truth through oath taking. *Journal of Multilingual and Multicultural Development*, 18(5), 386-401
- Norenzayan, A., Incheol, Ch., & Peng, K. (2007). Perception and cognition. In S. Kitayama, & D. Cohen (Eds.), *Handbook of cultural psychology* (pp. 569-594). NY: Guilford Press.
- Richards, J., & Rodgers, T. (2001). *Approaches and methods in language teaching* (2nd Ed.). New York: Cambridge University Press.
- Richards, J. C., & Schmitt, R. (2002). *Longman dictionary of language teaching and applied linguistics* (3rd Ed.). London: Pearson Education.
- Searle, J. R. (1976). A classification of illocutionary acts. *Language in society*, 5, 1-23.
- Small, A. (2008). *Evaluation of the usefulness of Hymes' ethnographic framework from a teacher's perspective*. M.A. thesis. University of Birmingham.
- Tanck, S. (2002). Speech act sets of refusal and complaint: A comparison of native and non-native English speakers' production. *TESOL Working Papers*, 4(2), 1-22.
- Thomas, J. (1983). Cross-cultural pragmatic failure. *Applied Linguistics*, 4(2), 91-112.
- Wardhaugh, R. (2010). *An introduction to sociolinguistics* (6th Ed.). New York, Wiley: Wiley-Blackwell.
- Wierzbicka, A. (1985). Different cultures, different languages and different speech acts. *Journal of Pragmatics*, 9, 145-178.
- Yakir, A., & Glick, S. M. (1998). Medical students' attitudes to the physician's oath. *Medical Education*, 32(2), 133-7.
- Zandvakili, E., Fard Kashani, A., & Tabandeh, F. (2012). The analysis of speech event and Hyme's speaking factors in comedy TV series: Friends. *New Media and Mass Communication*, 2, 27-43.